

گزارش مکتوب شورای حمایت از حقوق تألیف و نشر

سیزدهمین نشست شورا در روز سه شنبه بیست و یکم تیر ماه ۱۳۹۰ ساعت ۸ با حضور اعضا آغاز گردید. شرکت کنندگان:

آقای آخوندی (رئیس هیئت مدیره انجمن فرهنگی ناشران کتب مذهبی)
آقای شاوردی (نماینده انجمن ناشران ورزشی)
آقای توکل (نماینده انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان)
آقای دکتر ساکت (قاضی بازنشسته دیوان عالی کشور، مؤلف و استاد دانشگاه)
آقای رحمانی (نماینده اداره کل مجامع فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)
آقای کمیلی (عضو کمیسیون حقوقی اتحادیه ناشران و کتابفروشان و وکیل دادگستری)
آقای حسینی نیک (مدیر مسئول دفتر مطالعات و خدمات حقوقی - رئیس شورا)
آقای دکتر احمدزاده (دبیر جلسه)

بعد از قرائت قرآن کریم، مذاکرات شورا به شرح زیر آغاز گردید:

موضوعات مورد بحث:

موضوع جلسه: نقد و بررسی مواد ۷۷ و ۷۸ لایحه ماده ۷۷: پس از تکثیر اثر، ناشر ملزم است نسخه اصلی اثر را باز گرداند. اگرچه در جلسه دوازدهم مواد ۷۷ و ۷۸ مورد بحث قرار گرفت لیکن همچنانکه در گزارش آن نیز آمد، ابهاماتی از طرف بعضی از اعضا مطرح گردید که قرار شد در جلسه بعدی مطرح گردد. در ماده ۷۷ مطرح شد که چنانچه ناشر ملزم باشد که اصل نسخه را به پدیدآورنده مرجوع سازد در این صورت هیچگونه مدرکی نزد ناشر باقی نمی ماند تا بتواند در صورت اختلاف با پدیدآورنده یا نهادهای نظارتی به آن استناد کرده و معلوم شود که اشتباه از ناشر بوده یا از مؤلف. این اشکال بعد از توضیحات اعضا چنین رفع گردید که ناشر باید نسخه ای مصدق از اثر (تصویر نسخه اصلی) را نزد خود نگهداشته و اصل اثر را بازگرداند. البته با توجه به اینکه امروزه بیشتر آثار ارائه شده برای نشر از طریق فایل های نرم افزاری توسط لوح فشرده یا ایمیل می باشد، بهتر است ناشران، نسخه حروفچینی شده نهایی اثر را به امضاء پدیدآورنده رسانده و بایگانی نمایند. شورا این موضوع را قابل درج در قانون ندانست و قرار شد در متن قراردادهای پیشنهادی نشر از طرف شورا به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اضافه گردیده و به طرفین قرارداد واگذار شود.

ماده ۷۸: قرارداد نشر بدون موافقت کتبی پدیدآورنده قابل انتقال به اشخاص ثالث نیست. بحث شد که در این موضوع تضاد منافع وجود دارد. این منافع، یکی مربوط به پدیدآورنده بوده و قانونگذار باید حمایتی از وی در برابر انتشار اثر بدون رضایت صاحب آن توسط شخص ثالث به عمل آورده و دیگری مربوط به اعمال حق مالکانه توسط ناشر یا انتقال گیرنده حق است که باید بتواند با سرمایه خود کار کند.

نکات مورد بحث:

نکته اول: انتقال یا انتشار اثر با نام ناشری دیگر در داخل کشور به صورت‌های زیر انجام می‌گیرد:

۱- انتقال کامل به نحوی که ناشر جدید از یک نوبت چاپ به بعد، صاحب حقوق مادی اثر گردیده و بر اساس میزان حق تألیف مذکور در قرارداد اولیه، حقوق پدیدآورنده را پرداخت می‌نماید. البته اگر نوع قرارداد و میزان حق تألیف، نسبی بوده باشد و الا در مواردی که پدیدآورنده، حقوق خود را بطور کامل به ناشر اولیه واگذار کرده است، هیچگونه حقی مادی در خصوص اثر ندارد.

۲- انتقال به نحوی که ناشر اثری را برای یک یا چند چاپ به ناشر دیگری واگذار کرده و احیاناً حقوق مادی بیشتر از پدیدآورنده را نیز توافق کرده باشد. به عنوان مثال، ناشری که حقوق مادی پدیدآورنده را با ۱۰٪ قیمت پشت جلد به نسبت تیراژ قرارداد بسته و انتشار یک یا چند چاپ آن را به ناشری دیگر با ۱۲٪ واگذار می‌نماید، در این صورت پدیدآورنده با ناشر اول، طرف قرارداد بوده و مراجعه‌ای به ناشر بعدی ندارد.

۳- گاهی انتقال به نحو مشارکت صورت می‌گیرد که در آن ناشر اولیه، اثر را با مشارکت ناشر دیگر و با آرم و لوگوی مشترک منتشر می‌سازد.

۴- موضوع سفارشکار از طرف ناشر نیز از آن جهت قابل توجه است که حقوق مادی اثر، از ابتدا مربوط به سفارش دهنده بوده و پدیدآورنده رابطه مادی و مالی با اثر به جز حق الزحمه مورد توافق را ندارد.

نکته دوم: مصالح و لوازم رونق نشر است که سرمایه انتشارات بیش از املاک و اسناد، قراردادهای نشر است. اگر امکان واگذاری و فروش آنها وجود نداشته باشد یا منوط به توافق پدیدآورنده گردد، عملاً این سرمایه را برای ناشر غیر قابل استفاده کرده‌ایم.

نکته سوم: در عرف تجاری بخصوص در سطح بین المللی، سهام مؤسسات انتشاراتی در بورس عرضه می‌گردد و شرکت‌های بزرگ، مالکیت مؤسسات کوچکتر را در اختیار گرفته و نام مؤسسات خود را بر روی کتابها چاپ کرده یا به نحو مشترک قرار می‌دهند.

در این موارد، امکان اخذ رضایت پدیدآورندگان برای مؤسسات جدید متصور نیست و بعید به نظر می‌رسد که این موضوع در همه قراردادهای اولیه، پیش بینی شده باشد.

نکته چهارم: در عرف بین المللی نشر، آژانس‌هایی در خصوص سازماندهی پدیدآورندگان وجود دارد که صاحبان آثار، قراردادهای خود را با این نماینده‌ها یا کارگزاران منعقد می‌کند که در چنین حالتی، آن‌ها با طرف‌های ناشر وارد مذاکره و انتقال قرارداد می‌شوند. این نهاد نقش بسزایی در حوزه نشر ایفا می‌کند که جای بحث آن - فعلاً این جلسات - نیست اما باید منتظر تأسیس چنین نهادهایی در حوزه نشر داخلی باشیم و این امر در صورت تصویب چنین ماده‌ای، میسر نخواهد بود.

نکته پنجم: ورود شخص ثالث و ناشر جدید منوط به رعایت حقوق پدیدآورنده بر اساس قرارداد اولیه است. یعنی تعهدات ناشر نسبت به پدیدآورنده بر اساس قرارداد، به هیچ وجه نقض نگردیده و طبعاً چه از طرف ناشر اول و چه از طرف ناشر بعدی لازم الاجرا خواهد بود.

نکته ششم: رعایت حقوق معنوی اعم از حق سرپرستی یا حق احترام به صاحب اثر و حق تمامیت یا حق احترام به اثر بطور دائمی برای انتقال گیرنده حقوق مادی (تکثیر و توزیع) اعم از ناشر اول یا ناشر بعدی واجب و لازم‌الرعایه است.

پس تغییر ناشر نمی تواند خدشه‌ای به حقوق معنوی پدیدآورنده وارد سازد (حتی در سفارش کار). نکته هفتم: مهمترین دغدغه پدیدآورنده برای انتقال قرارداد نشر و انتشار اثر با نام ناشر دیگر، از حیث اخلاقی و حیثیتی و احياناً تخصصی است، بدین معنا که اگرچه رعایت حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده صورت گرفته لیکن پدید آورنده تمایل ندارد اثرش با نام انتشاراتی خاصی منتشر شود. نتیجه: به نظر می‌رسد به جز نکته هفتم، در بقیه موارد، دلیلی برای منع انتقال قرارداد نشر وجود نداشته و یا مزیت‌هایی نیز برای آن متصور است. برای مورد هفتم نیز راهکار قرارداد برای پدیدآورنده‌ای که راغب نیست اثرش توسط ناشری دیگر منتشر شود، بهترین گزینه است. پدیدآورنده می‌تواند در قرارداد به این موضوع اشاره نماید. در نهایت آنچه به تصویب شورا رسید، چنین است: ماده ۷۸: انتقال قرارداد نشر به شخص ثالث مجاز است مگر آنکه ترتیب دیگری در قرارداد ذکر شده باشد.

سید عباس حسینی نیک

رئیس شورای حمایت از حقوق تألیف و نشر